



## فرهنگ مالیاتی در ایران

قربانعلی محبوبی \*

نجفعلی شهبازی \*\*

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۲/۳

تاریخ تأیید مقاله: ۹۰/۴/۱۵

### چکیده:

تنوع فعالیت‌های اقتصادی از یک‌سو و نقش رو به افزایش دولت‌ها در جهت گسترش خدمات عمومی، تأمین اجتماعی، تعهدات دولت در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی و تلاش در جهت تحقق رشد اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد، پرداخت و دریافت مالیات را به مسئله‌ای مهم و تأثیرگذار تبدیل کرده است. دولت‌ها به کمک این منبع، توانایی تأمین بخش قابل توجهی از هزینه‌های گوناگون خود را به‌دست آورده و متناسب با حجم مالیات ستانی، قادر خواهند بود که منابع در اختیار را براساس اولویت‌های مورد نظر تخصیص دهند. مالیات از آن دست ویژگی‌های نظام اجتماعی است که پذیرش آن از طرف مؤدیان و نحوه اجرای آن از طرف دولت و حساسیت نخبگان و سازمان‌های مردم‌نهاد نسبت به آن، بسیار به ویژگی‌های فرهنگی کشور بستگی دارد. مالیات از نظر پذیرش و مقبولیت فردی، جایگاه منحصر به‌فردی دارد. مالیات، پرداخت یک‌جانبه ملت به دولت براساس قانون است که برخلاف جریان عمومی اقتصادی، هنگام پرداخت آن، کالا یا خدمت مشخصی به پرداخت‌کننده آن صورت نمی‌گیرد. با این توصیف، فرهنگ مالیاتی که عبارت از بررسی جریان فرهیختگی در عناصر مادی و معنوی پرداخت مالیات از طرف شهروندان و دریافت آن از طرف دولت و هزینه‌کرد آن است؛ بسیار پیچیده خواهد بود. در این تحقیق ضمن بررسی بحث فرهنگ مالیاتی به راهکارهای نهادینه شدن آن در جامعه پرداخته می‌شود. واژگان کلیدی: مالیات، فرهنگ مالیاتی، فرار مالیاتی.

\* عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین<sup>(ع)</sup>

\*\* کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه مفید قم E-mail: Najafalishahbazi@gmail.com

**مقدمه:**

مالیات مهم‌ترین منبع تأمین مالی هزینه‌های حاکمیتی دولت در هر کشوری محسوب می‌شود. با توجه به اینکه در ایران بودجه دولت متکی به درآمدهای حاصل از فروش نفت و منابع طبیعی است، نقش مالیات در تأمین منابع دولت و اداره آن، تاکنون نتوانسته آنچنان که شایسته است پررنگ باشد. ظرفیت مالیاتی به عنوان حجم پرداخت مالیاتی - که جامعه باید آن را بپردازد - در کشور به نحوی بالاست و این توان از یک طرف به درآمدها، مصارف و سرمایه‌گذاری‌ها متکی بوده و از طرف دیگر با اهداف بلندمدت و میان‌مدت برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت ارسال مرتبط است.

مالیات از آن دست ویژگی‌های نظام اجتماعی است که پذیرش آن از طرف ملت و نحوه اجرای آن از طرف دولت و حساسیت نخبگان و سازمان‌های مردم‌نهاد نسبت به آن، بسیار به ویژگی‌های فرهنگی کشور بستگی دارد. ویژگی‌های فرهنگی نظام اجتماعی هم از موارد متضادی تشکیل شده است. در بررسی خصوصیت‌های فرهنگی با عباراتی چون فرهنگ اجباری ولی اختیاری، فرهنگ عام ولی خاص، فرهنگ متغیر ولی ثابت روبه‌رو هستیم. به‌طور دقیق، همین ویژگی‌ها در مورد مالیات نیز صادق است. مالیات در تمام سیستم‌های اجتماعی و اقتصادی، به جهت اجرای هزینه‌های دولتی اجباری است؛ ولی داوطلبانه بودن پرداخت مالیات به ارزش در نظام اجتماعی تبدیل شده و یکی از عناصر مشارکت اجتماعی به حساب می‌آید. مالیات از نظر عام بودن در تمام جوامع جاری است؛ ولی براساس ظرفیت‌های هر جامعه، انواع خاصی از مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم مورد وصول قرار می‌گیرد. تغییرات در نظام تجاری و ساختار اقتصادی جوامع براساس رقابت در بازار آزاد به سرعت انجام می‌شود؛ اما تغییرات نظام مالیاتی کشور به دلیل لزوم طی مسیر قانونی با کندی پیش می‌رود. با برشمردن برخی از ویژگی‌های فرهنگی در مقوله مالیات، فرهنگ مالیاتی به مجموعه‌ای از عناصر قابل لمس و اندازه‌گیری (مادی) چون روش‌های عملیاتی، قانون و تکنولوژی و مجموعه عناصر معنوی آن چون اخلاقیات، آداب و رسوم و هنجارهای حاکم بر جامعه قابل بازتعریف است. به‌طور کلی، برخورداری از فرهنگ مالیاتی منجر به پذیرش شکل داوطلبانه

آن از طرف گروه‌های اجتماعی می‌شود.

در این تحقیق به این مقوله پرداخته می‌شود که اصولاً فرهنگ چیست و فرهنگ مالیاتی کدام است؟ چرا مردم ما مانند بعضی از کشورهای پیشرفته، خود، درآمد مشمول مالیات خود را تشخیص نمی‌دهند و در مواعید قانونی نسبت به ابراز آن اقدام نمی‌کنند و بدهی مالیاتی خود را به‌موقع نمی‌پردازند؟ با این که همهٔ آحاد ملت، تاحدودی می‌دانند که مالیات یکی از منابع مهم و سالم تأمین مالی دولت است؛ پس چرا مردم ما به اندازهٔ مردم کشورهای پیشرفته - که خود درآمد مشمول مالیاتشان را محاسبه و بدهی مالیاتی خود را داوطلبانه به دولت می‌پردازند - نسبت به این امر خطیر بی‌توجه هستند و چندان پای‌بندی به آن نشان نمی‌دهند؟ آیا نسبت به سرنوشت کشور خود بی‌تفاوت هستند؟ همه می‌دانیم که چنین نیست. زیرا ملت شریف ایران اسلامی در مقاطع مختلف سرنوشت‌ساز و تاریخ پرنشیب و فراز کشور - به‌خصوص بعد از پیروزی انقلاب اسلامی - نشان داده است که برای سربلندی و اعتلای میهن اسلامی، عزت، ناموس و شرف این آب و خاک از هیچ تلاشی فروگذار نکرده، و از موانع و گردنه‌های فتنهٔ اموال و اولاد گذشته و پای در مرز شهادت و ایثار نهاده و عزت، سربلندی و افتخار برای آن به ارمغان آورده است. کمتر ملتی است که این چنین سخاوتمندانه جان، مال، فرزند و خانمان خود را خالصانه و ایثارگرانه تقدیم کند. پس چه شده است که این چنین نسبت به پرداخت داوطلبانه مالیات بی‌تفاوت است و سعی در عدم اظهار درآمدهای واقعی و عدم پرداخت بدهی مالیاتی خود به دولت می‌کند؟ و حتی گاهی برای وصول بدهی کار به اجرائیات و ضبط اموال هم می‌رسد؟

**مالیات**

کلمهٔ مالیات مأخوذ از عربی به معنای باج، خراج و پول‌هایی است که مأمورین وزارت دارایی به موجب قانون از مردم می‌گیرند (عمید، ۱۳۶۵). مالیات به‌عنوان یکی از مهمترین منابع درآمد دولت به‌شمار می‌رود. مالیات قسمتی از درآمد یا دارایی افراد است که به‌منظور پرداخت مخارج عمومی و اجرای سیاست‌های مالی در راستای حفظ منافع اقتصادی - اجتماعی و سیاسی کشور به‌موجب قوانین و به‌وسیله اهرم‌های اداری و

تا مردم خود بودجه مورد نیاز جنگ و جهاد را به‌طور کامل تأمین کنند، به سخن دیگر هر کس به اندازه توانایی خود، از انفال مالی در این باره دریغ نکند.

در آیه کریمه: «و انفقوا فی سبیل الله و لاتلقوا بأیدیکم الی التهلکة» (بقره، ۱۹۵) به همین جهت اشارت دارد. مصداق «فی سبیل الله» برحسب نزول آیه، جهاد در راه خداست که بایستی مسلمانان در این راه از انفاق (بخشیدن ثروت تا رفع نیاز جهاد) دریغ نوزند؛ زیرا کوتاهی در این باره موجب سستی پایه‌های نظام اسلامی و چه بسا فروریختن آن می‌گردد، در این صورت زیان آن به‌خود مسلمانان بازمی‌گردد و بدین‌سان خود وسیله نابودی خویشتن خواهند بود.

تفسیر «سبیل الله» به «جهاد» از باب تفسیر تطبیقی است، وگرنه اختصاص به آن ندارد و مقصود، اصل نظام اسلامی حاکم است که باید در تثبیت و تحکیم پایه‌های آن کوشید و امروز که تثبیت پایه‌های نظام اسلامی حاکم بر فراهم شدن امکانات لازم در تماس زمینه‌ها ضرورت دارد، تأمین بودجه لازم در سطحی گسترده‌تر مورد نیاز است که در صورت کمبود دیگر منابع مردم باید برحسب امکانات خود این کمبودها را جبران کنند که با تشخیص کارشناسان، چند و چون آن تعیین می‌گردد و این یک واجب شرعی است و کوتاهی یا فرار از آن، کوتاهی از حوزه وظیفه شرعی تلقی می‌شود (سادات طاهر، ۱۳۸۶).

آیات وجوب انفاق فی سبیل الله که منبع اصلی این وظیفه شرعی است، آن را یک حکم اولی و ذاتی به‌شمار می‌آورد مانند دیگر احکام شرعی که با عنوان ذاتی از کتاب و سنت استنباط شده است.

### اهداف مالیات در اسلام

با توجه به اهداف بسیار متنوع اقتصاد اسلامی در مقایسه با مکتب‌های دیگر، دولت برای تأمین مخارج مالی خود، به درآمدهای گوناگونی نیاز دارد. در اسلام مالیات به‌عنوان یکی از مهم‌ترین راه‌های درآمد دولت، در رسیدن به اهداف زیر اهمیت خاصی دارد (سادات طاهر، ۱۳۸۶):

الف) تأمین مالی مخارج معین: نظام مالیاتی اقتصاد اسلامی، از این نظر شبیه به عوارض عمل می‌کند. با این تفاوت که مالیات،

اجرای دولت وصول می‌شود و مالیات‌دهندگان تقریباً پذیرفته‌اند که باید سهم خود را در هزینه‌های اجتماعی بپردازند.

مالیات به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم اخذ می‌شود: مالیات مستقیم: مالیات‌هایی هستند که مستقیماً بر منبع درآمد وضع می‌شوند و با درآمد اشخاص حقیقی و حقوقی وصول می‌شود.

مالیات غیرمستقیم: مالیات‌هایی هستند که پرداخت‌کننده آن مشخص و معین نبوده است (رضاییان، ۱۳۷۸).

مالیات عبارت است از: سهمی که به موجب اصل تعاون ملی و طبق مقررات موضوعه هر یک از افراد کشور موظف است از درآمد یا دارایی خود به‌منظور تأمین هزینه‌های عمومی و حفظ منافع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور برحسب توانایی و استطاعت مالی خود به خزانه دولت بپردازد (رزاقی، ۱۳۷۵). از نظر برخی صاحب‌نظران مالیات مبلغی است که دولت از اشخاص، شرکت‌ها و مؤسسات براساس قانون برای تقویت عمومی حکومت و تأمین مخارج عامه دریافت می‌دارد. افزون بر خصلت اجباری بودن؛ یک خصوصیت بارز دیگر مالیات این است که رابطه صحیح دوطرفه یا متناسبی میان میزان مالیات دریافتی و ارزش خدمات عمومی که مالیات‌دهندگان از آن برخوردار می‌شوند - وجود دارد (عرب مازار، ۱۳۷۰). اهمیت مالیات تنها بعد کارایی آن برای دولت نیست؛ بلکه آثار و فشارهای ناشی از آن؛ عادلانه و یا ناعادلانه بودن آن، تأثیر آن بر کارایی اقتصادی، ایجاد انگیزه منفی و یا مثبت برای فعالیت‌های گوناگون و امثال آن نیز مورد توجه خاص است (دادگر، ۱۳۷۸).

### مالیات در اسلام

مالیات یکی از اساسی‌ترین منابع مالی بیشتر کشورهاست که به‌گونه مستقیم یا غیرمستقیم بر درآمدها نهاده می‌شود و توان اجرایی دولت از همین راه تأمین می‌گردد. البته مالیات‌ها و نوع و موارد آن، برحسب تشخیص کارشناسان در هر کشور متفاوت است و همچنین اندازه و محدوده آن براساس نیاز و برخی پیشامدها تفاوت می‌کند و نمی‌توان آن را در همه جا و همیشه یکسان و یکنواخت پنداشت.

در اسلام، برای نخستین بار مالیات در مورد جهاد تشریح شد

اثر را در رفتارهای مسلمانان بر جای گذارد (نظری، ۱۳۸۵).

### فرهنگ

برای شناخت فرهنگ مالیاتی، آگاهی و شناخت نسبت به فرهنگ و عناصر آن ضروری است. اصطلاح فرهنگ به معنای جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی آن نخستین بار به وسیله، مردم‌شناس انگلیسی ادوارد بارت تیلور<sup>۱</sup> در سال ۱۸۷۱ در کتابی با عنوان فرهنگ ابتدایی<sup>۲</sup> بکار رفت. وی در تعریف فرهنگ می‌گوید: فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای است که در برگیرنده دانستنی‌ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات و هرگونه توانایی دیگری است که انسان به عنوان عضوی از جامعه به دست می‌آورد (ووثوقی و نیک خلق، ۱۳۸۰).

فرهنگ به‌عنوان یک اصطلاح فنی در نوشته‌های انسان‌شناسان در اواسط قرن نوزدهم وارد شده است. هنگامی که سخن از فرهنگ به میان می‌آید؛ مراد روش یا چگونگی انجام و عینیت یافتن موضوعی مشخص است. چگونگی کنش یا رفتار در قلمرو مشخص ریشه در باورها، اعتقادات، دانش، معلومات و در مجموع پذیرفته‌شده‌های مشترک اعضای یک جامعه یا گروه دارد. برای مثال، هنگامی که از «فرهنگ مصرف مواد غذایی» شهروندان ایرانی سخن به میان می‌آید؛ منظور نوع نگرش، دانش و اعتقادات درونی شده مردم در مورد مصرف مواد خوراکی است. چنین پنداشت‌هایی - که غالباً نانوشته است - به رفتارهای خاصی مثلاً افراط یا بی‌توجهی به مقدار کافی غذا در هنگام رفع گرسنگی یا جشن‌ها منجر می‌گردد. در رابطه با مفهوم فرهنگ، ادگار شاین<sup>۳</sup> (۱۹۹۹) می‌گوید: فرهنگ ساخته یک گروه انسانی است. هر کجا که یک گروه دارای حد کافی از تجارب مشترک باشد، فرهنگ شکل می‌گیرد. خانواده و گروه‌های کاری اولین محل‌های شکل‌گیری یک فرهنگ است. ملیت، دین، مذهب، زبان، زمینه‌های فنی و علمی مشترک مربوط به یک گروه کوچک یا بزرگ جامعه از عوامل ایجاد فرهنگ است. هنگامی که فرهنگ یک گروه یا جامعه شکل گرفت و به تدریج بهبود یافت؛ افراد آن حوزه فرهنگی، کیفیت تمایلات، ذهنیات و رفتارهای

به‌طور کلی به خزانه‌داری دولت واریز می‌شود و دولت مخارج مختلف خود را با آن تأمین می‌کند؛ ولی عوارض گردآوری شده، تنها باید در موارد و مکان‌های معین مصرف شود.

ب) عدالت اجتماعی: هر شهروندی در جامعه اسلامی به نسبت بهره‌ای که از امکانات جامعه و کشوری می‌برد، باید در تأمین مخارج و هزینه‌ها سهیم باشد.

ج) اجرای سیاست‌های اقتصادی: به هر میزان که بیشتر مالیات گرفته شود، هزینه مالیات‌دهنده، افزایش و در نتیجه، سود وی کاهش می‌یابد. دولت با افزایش مالیات در برخی بخش‌ها می‌تواند جلو گسترش غیرضروری آنها را بگیرد یا با کاهش مالیات و در نظر گرفتن انواع معافیت‌ها و تخفیف‌ها، بخش‌های دیگری را رونق بخشد.

### - ویژگی‌های مالیات اسلامی

مالیات‌ها در اسلام ویژگی‌های متعددی دارد که در این جا به چند مورد می‌پردازیم:

الف) عبادی بودن: برخی از مالیات‌های اسلامی مانند خمس و زکات باید با قصد قربت انجام شود؛ ولی در مکتب‌های دیگر، مالیات با عنوان عبادت پرداخت نمی‌شود.

ب) معین بودن موارد مصرف هر مالیات: هر یک از مالیات‌ها، مصرف معینی دارد. برای مثال، پرداخت‌کنندگان خمس و زکات می‌دانند مال خود را با چه هدفی و برای انجام چه مقاصدی، می‌پردازند.

ج) مردمی و اخلاقی بودن: برخی مالیات‌های اسلامی مانند زکات فطره را خود افراد در موارد تعیین شده هزینه می‌کنند. این ویژگی سبب آشنایی بیشتر پرداخت‌کنندگان مالیات با مستمندان جامعه و موجب افزایش روح برادری نزد آنان می‌شود.

د) داوطلبانه بودن مالیات‌ها: از نظر اسلام، انفاق، عملی است که افراد به صورت داوطلبانه انجام می‌دهند و مسلمانان در طول تاریخ اسلام، انفاق‌های واجب مانند زکات را با کمال اشتیاق می‌پرداخته‌اند. این نشان می‌دهد که دین مقدس اسلام با آیات و روایات توانسته است به تربیت اخلاقی مردم بپردازد و بیشترین

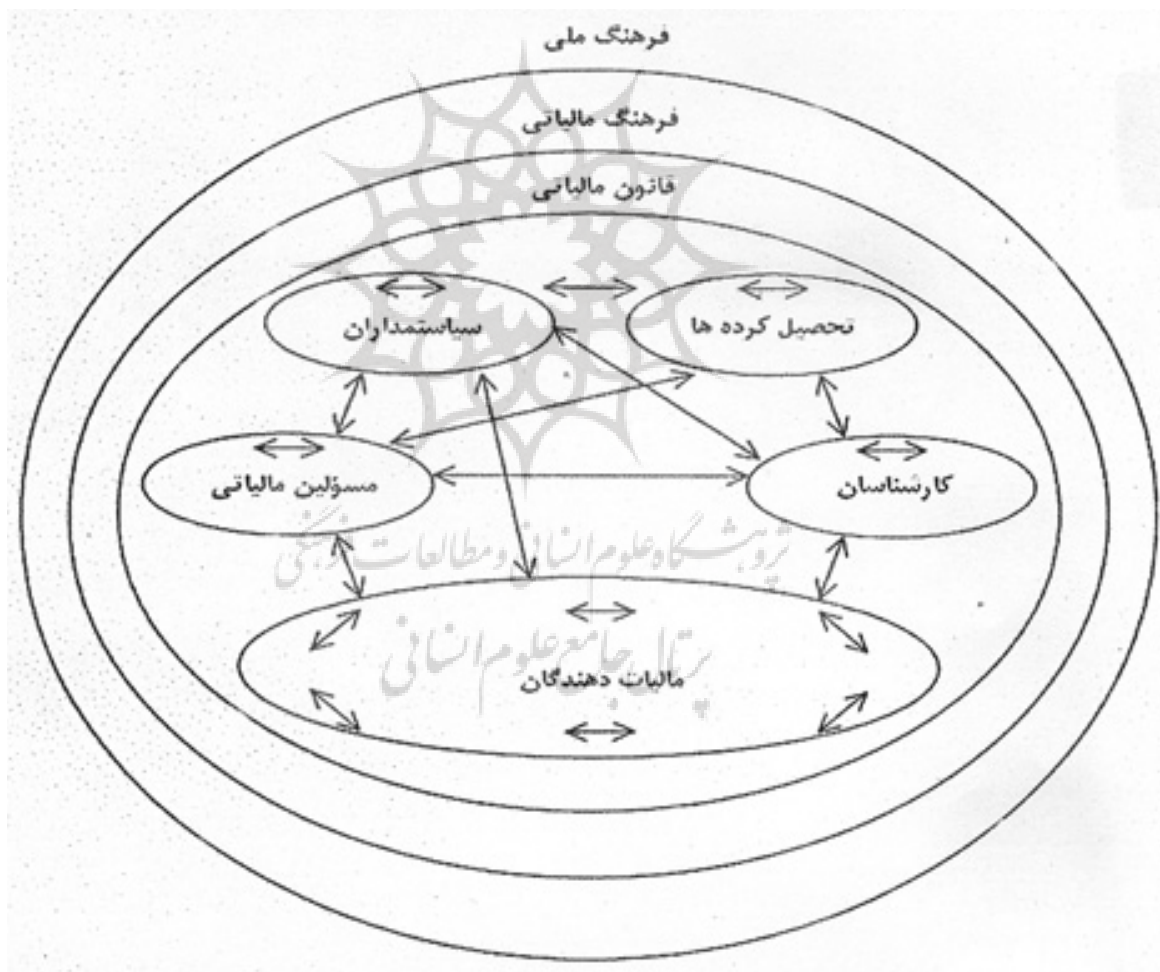
1. Edward Barent Tylor  
2. Rrimitive Culture  
3. Edgar H.Schein

### فرهنگ مالیاتی

موضوع فرهنگ مالیاتی رشته‌های اقتصاد، جامعه‌شناسی و تاریخ را در بر می‌گیرد. بنابراین واژه فرهنگ مالیاتی به‌ندرت در ادبیات اقتصاد یافت می‌شود. اخیراً توجه به فرهنگ مالیاتی افزایش یافته است؛ زیرا اقدامات اصلاحی ضروری برای نظام‌های مالیاتی اقتصادهای انتقالی تا اندازه‌ای به دلیل عدم تطابق فرهنگ مالیاتی آنها منجر به شکست شده است. فرهنگ مالیاتی خاص یک کشور را می‌توان به‌عنوان تمام مؤسسات رسمی و غیررسمی مرتبط با سیستم مالیاتی ملی و عملکرد آن، شامل وابستگی‌ها و روابط ایجاد شده توسط تعاملات مداومش، در نظر گرفت. شکل زیر بازیگران فرهنگ ملی و زیرمجموعه فرهنگ مالیاتی آن را

خود را با آن منطبق ساخته و به‌گونه‌ای رفتار خواهند کرد که هنجارها و ارزش‌های فرهنگی شکسته نشده و فردی غیرعادی شناخته نشوند (طاهریور، ۱۳۸۷).

با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت: فرهنگ مجموعه‌ای از باورها، اندیشه‌ها و تراوشات فکری بشر در طول تاریخ است که زمینه‌ساز و تداوم‌بخش رشد و تعالی انسان و شکل‌گیری هویتی خاص برای او بوده است. فرهنگ مجموعه‌ای تبادلی پذیر و مشترک از مجموعه داشته‌ها و پیشینه‌های جوامع انسانی و در عین حال یکی از رایج‌ترین، پیچیده‌ترین و پرابهام‌ترین مفاهیم است که به‌عنوان سرمایه‌ای قابل انتقال از نسلی به نسل دیگر قابل بررسی است.



شکل ۱. فرهنگ مالیاتی<sup>۱</sup>

1. Edgar H.Schein - "Corporate Culture (Survival Guide)", Jossey.1999Bass Publishers

نشان می‌دهد (طاهرپور، ۱۳۸۷).

عناصر و بازیگرانی که فرهنگ مالیاتی خاصی را شکل می‌دهند، هنجارهای فرهنگی و نهادهایی را که در طول تاریخ توسعه یافته، تشکیل می‌دهند. این دو، نظام‌نامه مالیاتی<sup>۱</sup> را مشخص می‌کنند. مورد اخیر محیط و محدودیت‌ها را و به عبارتی مقررات بازی مالیاتی را مشخص می‌کند. بازیکنان شامل مالیات‌دهندگان، سیاستمداران، مسئولان مالیاتی، کارشناسان و دانشگاهیان هستند. تعامل بین گروه‌های مختلف بازیکنان و بین اعضای یک گروه اتفاق می‌افتد. با تعامل مداوم، روابط و همبستگی‌های اجتماعی یا شبکه‌ها در بلندمدت شکل می‌گیرند که این خود بخش اعظم فرهنگ مالیاتی کشور را شکل می‌دهد. در نتیجه فرهنگ مالیاتی مفهومی بیش از فرهنگ اخذ مالیات و فرهنگ پرداخت مالیات را در بر می‌گیرد.<sup>۲</sup> برخی سیاستمداران فرهنگ مالیاتی را اجابت داوطلبانه و بعضی مخالف با بی‌سوادی مالیاتی و عده‌ای آن را اجابت از روی ترس می‌دانند (طاهرپور، ۱۳۸۷).

همچنین مفهوم فرهنگ مالیاتی را می‌توان با توجه به مفهوم واژه‌های مالیات و فرهنگ معنا کرد. از نقطه نظر مالیات نه تنها سیستم مالیاتی و اجرای واقعی مالیات؛ بلکه رابطه بین مسئولین مالیاتی و مالیات‌دهندگان، فرهنگ مالیاتی را شکل می‌دهند. پرسش‌هایی از قبیل: چطور درآمدهای مالیاتی باید بین بدنه محلی و مرکزی توزیع شود، قانون مالیات در این زمینه تا چه حد دقیق و صریح است؛ با تخلفات چگونه برخورد می‌شود، و چه گروه‌های ذی‌نفع رقیب دیگری وجود دارد، بخش مهمی از فرهنگ مالیاتی، به‌ویژه در زمینه اقتصادهای انتقالی است. با وجود این، مفهوم فرهنگ از اهمیت بیشتری برخوردار است (دادگر، ۱۳۸۶).

از نظر گِیرت هافستید<sup>۳</sup> زبان علمی برای تعریف فرهنگ وجود ندارد. به عقیده وی فرهنگ برنامه‌ریزی جمعی ذهن و فکر است (یادگیری نظام مشترک معانی و تفاسیر و ارزش‌ها به‌وسیله

گروهی از بازیگران) و فرهنگ پدیده‌ای پویاست و ابزار ثابتی برای بازیگران محسوب نمی‌شود. در این روش، جستجو برای یک نظام مالیاتی جهان‌شمول و علمی واقعاً بی‌معناست. بنابراین یک فرهنگ مالیاتی خاص برای یک کشور خاص، که به‌وسیله سنت مالیاتی و تعاملات بازیگران و ارزش‌های فرهنگی مانند صداقت، عدالت و احساس وظیفه ایجاد می‌شود، پدیدار می‌گردد.<sup>۴</sup>

به زبان ساده فرهنگ مالیاتی را می‌توان مجموعه‌ای از طرز تلقی، بینش و واکنش اشخاص در برابر سیستم مالیاتی دانست، این طرز تلقی به‌طور قطع با یک قانون مناسب و نیز عملکرد مأمورین مالیاتی در به‌کارگیری قانون و مواجهه با مؤدیان، نقش اساسی دارد. بدیهی است فرهنگ مالیاتی تا حد زیادی متأثر از فرهنگ عمومی و نیز عوامل ایدئولوژیکی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است و قوانین نیز عواملی هستند که فرهنگ مالیاتی را در جامعه تحت تأثیر قرار می‌دهند.

### مالیات و پس‌افتادگی فرهنگی

در بسیاری مواقع با پدیده‌ایی روبرو می‌شویم که عناصر مادی، معنوی و فرهنگی، هم‌سو رشد نمی‌کنند و به اصطلاح جامعه‌شناسانه با نوعی نابسامانی فرهنگی روبرو شده که این موضوع کل فرآیند را دچار اختلال می‌کند. به این پدیده «پس‌افتادگی فرهنگی» گویند (ثاقب‌فر، ۱۳۸۶). به‌طور مثال، در مقوله ترافیک، مدل‌های اتومبیل براساس رشد تکنولوژی، نوین می‌شود. اما فرهنگ استفاده از آن هم‌سو با عنصر مادی آن رشد نمی‌کند. در خیابان‌ها با ازدیاد خودرو روبرو می‌شویم و در نهایت سنگینی بار ترافیک در گذرگاه‌ها رخ می‌دهد. در نتیجه، این پدیده حاکی از پس‌افتادگی فرهنگی در اثر ناهماهنگی بین عناصر مادی و معنوی آن است.

نظام مالیاتی مرکب از قانون، روش‌های عملیاتی، مالیات‌دهندگان، دستگاه مالیاتی به نمایندگی از حاکمیت است که زنجیره ثبت‌نام توسط مالیات‌پردازان تا وصول مالیات توسط

1. Tax code

2. Nerré Birger and Karsten von Blumenthal, "Tax Culture and Austrian Economics: A Case Study of the Big 1896 Tax Reform", National Tax Association's 96th Annual Conference on Taxation in Chicago, USA, in November 2003, p. 5.

3. Geert.hofstede

4. Nerré Birger and Karsten von Blumenthal, "Tax Culture and Austrian Economics: A Case Study of the Big 1896 Tax Reform", National Tax Association's 96th Annual Conference on Taxation in Chicago, USA, in November 2003



دستگاه مالیاتی را شامل می‌شود.

در این چارچوب ابزارهای موجود در سیستم مالیاتی چون روش‌های پرداخت مالیات، بهنگام کردن قوانین مالیاتی و مدرن کردن شرح وظایف و نمودار سازمانی، دستگاه مالیاتی را به عنوان عناصر مادی فرهنگ مالیاتی باید در نظر گرفت. از طرف دیگر هنجارهای حاکم بر ذهنیت گروه‌های اجتماعی نسبت به پرداخت مالیات و موارد مصرف آن، همچنین احساس عدم تبعیض بین مؤدیان مالیاتی نسبت به مسائل مالیاتی، رویکرد دولت به تاثیر مالیات در بودجه دولت، جملگی عناصر معنوی فرهنگ مالیاتی را تشکیل می‌دهند.

تحولات سریع در نظام‌های اقتصادی باعث می‌شود ویژگی‌های مادی فرهنگ مالیاتی شامل به‌روز شدن قوانین مالیاتی و مدرنیزاسیون روش‌های عملیاتی به دلیل رشد تکنولوژی و تعاملات تکنولوژیکی رشد کنند. ولی بخش معنوی فرهنگ مالیاتی به آن دلیل که به موارد کیفی و تحولات جامعه‌شناختی بازمی‌گردد، به کندی رشد می‌کند و در برخی اوقات رشد آن منفی است. در این حالت، با پدیده پس‌افتادگی در فرهنگ مالیاتی روبرو می‌شویم.

از جمله مواردی که در وضعیت پس‌افتادگی فرهنگی رخ می‌دهد، احساس تبعیض بین مالیات‌دهندگان است. این عامل را می‌توان در توزیع ناعادلانه درآمد، تلاش برای استفاده بیشتر از ترفندهای قانونی و غیرقانونی مالیاتی و بی‌تفاوتی نخبگان جامعه نسبت به مسئله استراتژیک مالیات جستجو کرد. از عوامل مهم در ایجاد پس‌افتادگی فرهنگی، همانا بُعد زمان است. به‌طور مثال، احساس تبعیض نسبت به اجرای قانون در یک فرآیند زمانی به باور گروه‌های اجتماعی تبدیل می‌شود.

### نظام مالیاتی ایران و عوامل پس‌افتادگی فرهنگی

عملکرد نظام مالیاتی ایران در بعد فرهنگی، بیش از هر عامل به میزان قدرت آن در نظام اقتصاد کشور برمی‌گردد. مالیات از جمله حلقه‌های زنجیر اقتصادی است که فاقد اثرگذاری قابل ملاحظه است. به‌طور مثال، قدرت مانور نظام بانکی به دلیل نقش مسلط آن در تخصیص منابع، انواع یارانه‌ها به‌واسطه تاثیر زیاد آن در تعیین خط‌مشی اقتصاد سیاسی دولت و درآمدهای نفتی

به علت جایگاه حداکثری در درآمدهای دولت به مراتب از نظام مالیاتی بالاتر است. با این حال مهم‌ترین دلیل در بروز این وضع، چسبندگی اقتصاد ایران به درآمدهای حاصل از نفت است که هم به دلیل خاصیت جانشمینی با درآمدهای مالیاتی آن را در موضع ضعف قرار داده است و هم منجر به تولید رانت در اقتصاد شده است. همچنین اقتصاد دولت‌محور در ایران، اخذ مالیات را از نظر اقتصادی بی‌تاثیر می‌کند و جز تأثیر حسابداری فاقد آثار سیاستگذاری می‌شود. این وضع در بلندمدت به لایه‌های اجتماعی هم نفوذ می‌کند و آنان نیز به‌عنوان کارگزاران اقتصادی می‌آموزند که مالیات ندهند یا سعی کنند از معافیت‌های مالیاتی بیشترین بهره را ببرند و سهم بیشتری از درآمدهای نفتی را از آن خود کنند. ادامه این وضع، بیش از هر چیز به فرهنگ مالیاتی آسیب می‌زند و پس‌افتادگی فرهنگی را سرعت می‌بخشد.

دلیل دیگر در پس‌افتادگی فرهنگ مالیاتی، نداشتن استراتژی مدون رفاهی است، اگرچه دولت در ایران به استناد اصل ۲۹ قانون اساسی یک دولت رفاهی شناخته شده و موظف است با برقراری نظام فراگیر رفاه اجتماعی فرصت‌های برابر در اختیار شهروندان قرار دهد. علاوه بر آن، در قانون اساسی از آموزش رایگان یاد شده که خود به‌مانند حق مردم و تکلیف دولت‌ها است. با این حال، نوعی ناهماهنگی در سیاست‌های اجتماعی ایران دیده می‌شود. پرداخت مستقیم به مردم در بخش درمان بیش از عرف جهانی است. نابسامانی زیادی بین انواع خدمات بیمه‌ای دیده می‌شود و انتظار شهروندان را به‌ویژه در حوزه بهداشت و درمان رفع نمی‌کند. در برنامه‌های خصوصی‌سازی، طرح خودگردانی بیمارستان‌ها و خصوصی‌سازی در آموزش رخ داد غافل از اینکه این موارد جزئی از کالاهای عمومی هستند که در ابتدا دولت باید آنها را تأمین کند و انتظار مردم از آن اصل در قانون اساسی پوشش داده شود. باید قبول کنیم وقتی در تأمین هزینه‌های معمول زندگی مردم حضور مالیات کم‌رنگ می‌شود، فرهنگ مالیاتی رشد نمی‌کند.

مالیات نسبت به دیگر ارزش‌های اجتماعی، جایگاه کم‌تری در فضای رسانه‌ای و تبلیغات کشور دارد. به‌جز سازمان امور مالیاتی به‌عنوان متولی رسمی امور مالیاتی کشور، کمتر نهاد یا سازمان مردم‌نهادی است که خود را موظف به تشویق امر مالیات

می‌شده انگیزه فرار از مالیات به صورت یک امر تاریخی درآمد و به شکل نوعی خصلت و طبیعت ثانوی یا عادت درآمد شده است.

- بعضی بر این باورند که علت فرار از پرداخت مالیات را باید در عدم شناخت اهمیت و ضرورت مالیات و نقش آن در اقتصاد جستجو کرد. پس اگر شناخت کافی و وافی از مالیات داشته باشند، رفتاری بهتر و معقول‌تر نسبت به آن خواهند داشت (جامساز، ۱۳۸۳).

- عده‌ای می‌گویند چون هنوز مکانیسم‌های بایسته و درستی در اقتصاد کشور تعبیه نشده و امکان ردیابی و شناسایی و ثبت درآمدها در مقاطع ایجاد آن‌ها وجود ندارد، بنابراین کتمان درآمد واقعی و به تبع آن فرار از پرداخت مالیات برای صاحبان درآمدهای سرشار به راحتی میسر است.

- تقابل و عدم تفاهم و اعتماد فی مابین مأموران تشخیص و مؤدیان مالیاتی را نیز می‌توان یکی از علل اصلی فرار از مالیات دانست؛ مؤدیان مالیاتی بر این باورند که حتی اگر درآمدهای واقعی خود را در دفاتر قانونی ثبت و اسناد و مدارک مربوط به آن را مطابق با واقع تنظیم و تحریر نمایند و درآمد مشمول مالیات واقعی را در اظهارنامه مالیاتی ابراز دارند، بازهم مورد قبول مأموران تشخیص مالیات قرار نخواهد گرفت و آنان اصل را بر عدم صحت این اظهارات خواهند گذاشت. بنابراین سعی می‌کنند که دفاتر قانونی و اظهارنامه متکی به آن را طوری تنظیم کنند که مأموران تشخیص قادر به دستیابی به واقعیت امر نباشند و مالیات واقعی آنان را تشخیص ندهند. از طرف دیگر، مأموران تشخیص نیز عقیده دارند که مؤدیان مالیاتی اعتقادی به پرداخت مالیات ندارند و سعی در کتمان درآمد واقعی خود دارند و برای این کار دست به هر حیل‌های می‌زنند و حتی گاهی، برخی از آنان دفاتر مخصوصی برای ارائه به وزارت امور اقتصادی و دارایی تنظیم می‌کنند (ثاقب‌فر، ۱۳۸۶).

به این ترتیب، درآمد مشمول مالیات در حال‌های از ابهام و تیرگی فرو می‌رود و تشخیص صحیح آن به سختی امکان‌پذیر می‌گردد. به همین دلیل، بسیار اتفاق می‌افتد که مالیات‌های تشخیص شده توسط حوزه‌های مالیاتی بیش از میزان واقعی شود و فرایند به قطعیت رسیدن آن مدت‌ها طول بکشد و چه بسا زیادی مالیات قطعی شده کسب و کار افراد زیادی را با مشکل

در کشور کند. به طور مثال در تیرماه که موعد خوداظهاری مالیاتی در ایران است، به جز سازمان متولی هیچ رسانه‌ای به طور مستقل نسبت به این موضوع وقعی نمی‌نهد. این جریان حاکی از بی‌تفاوتی آشکار گروه‌های اجتماعی نسبت به مهم‌ترین رکن زندگی در جوامع مدرن است. در کنار آن، می‌توان به بی‌اهمیت دانستن مالیات در برنامه احزاب نیز اشاره کرد. تاکنون هیچ حزبی در ایران مانیفست خود را نسبت به مالیات مشخص نکرده و اصولاً با شعار و برنامه مالیاتی وارد گود انتخاباتی نشده، ترس از نگاه منفی مردم با مقوله مالیات در پهای صندوق‌های رأی و نامشخص بودن جایگاه مالیات در اقتصاد سیاسی کشور از دلایل این موضوع است (رضایی، ۱۳۸۶).

بخش‌هایی از جامعه نیز خمس و زکات را جایگزین مالیات‌های قانونی می‌دانند. در حالی که نظام مالیاتی جمهوری اسلامی در مورد مالیات، قانون مصوب مجلس دارد و هرگونه پرداخت‌های شرعی هم به شرط ارائه مدارک مثبت‌مورد پذیرش دستگاه مالیاتی قرار می‌گیرد. از این رو این امر نیز باعث پس‌افتادگی فرهنگ مالیاتی می‌شود که باید برای آن راهکار اساسی یافت (ثاقب‌فر، ۱۳۸۶).

موارد بالا، بیشتر جنبه برونی یا کلان پس‌افتادگی فرهنگی در نظام مالیاتی را منعکس می‌کردند. علاوه بر آن، برخی ویژگی‌ها در نظام مالیاتی وجود دارد که در این روند تأثیرگذار است. به طور مثال، قانون مالیات‌ها در ایران فاقد نظام مالیات بر جمع درآمد است. مالیات بر جمع درآمد مرحله‌ای از فرآیند مالیاتی است که عملکرد مالی افراد بدون توجه به جایگاه شغلی و قدرت آنها مورد حسابرسی دستگاه مالیاتی قرار می‌گیرد. در این مکانیسم، مالیات به طور همه‌جانبه وارد زندگی همه ایرانیان می‌شود و این کار می‌تواند مبنایی برای توزیع درآمد و توزیع یارانه‌های دولتی هم واقع شود. مهم‌ترین اثر آن، برقراری حس انصاف و مساوات بین مالیات‌پردازان است که از نظر فرهنگ مالیاتی بسیار ضروری می‌باشد (طاهرپور، ۱۳۸۷).

### علل فرار مالیاتی در ایران

- برخی معتقدند که چون در گذشته عمده حکومت ظلم و جور بوده و پرداخت مالیات کمک به تحکیم آن حکومت‌ها تلقی



توان پرداخت آنهاست. همچنین در نظام اقتصادی اسلام توجه خاصی به هزینه کردن یا مصارف مالیات مبذول شده است. همچنین نوع هزینه یا مصارف درآمدهای مالیاتی می‌تواند در ایجاد فرهنگ مالیاتی و مشارکت مالیاتی مؤثر باشد.

از نظر هزینه کردن یا مصارف نیز نظام فعلی مالیاتی کشور دچار دو مشکل اساسی است. اول این‌که عدالت توزیعی در آن اعمال نشده است؛ یعنی آن‌ها که کم‌تر مالیات می‌پردازند، بیش‌تر از منافع و خدمات حاصل از مخارج آن استفاده می‌کنند. دوم این‌که نوع مصارف منابع جمع‌آوری شده برای مالیات‌دهندگان روشن نیست. عبارات کلی مانند «مخارج لازم جهت اداره کشور» برای مالیات‌دهندگان کفایت نمی‌کند، مسائل و مشکلاتی از این نوع، سطح اعتماد افراد به نظام مالیاتی را می‌کاهد (جامساز، ۱۳۸۳).

• گسترش تبلیغات سراسری در این خصوص به‌ویژه از طرف رسانه ملی و آموزش و پرورش

برای فرهنگ‌سازی و نهادینه کردن ارزش‌ها و باورهای مناسب و مطلوب مالیاتی، باید از آموزش و پرورش نیز کمک گرفت و موضوع مالیات را در متون درسی مقطع ابتدایی (فارسی، ریاضی، اجتماعی)؛ راهنمایی؛ متوسطه، و نیز در دوره‌های دانشگاهی وارد کرد. همچنین سازمان مالیاتی می‌تواند با تهیه برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی، ارزش‌ها و باورهای فرهنگ مالیاتی را در جامعه گسترش دهد. سازمان مالیاتی برای ایجاد و رشد یک فرهنگ مالیاتی پیشرو مناسب نظام جمهوری اسلامی ایران، باید از کمک و یاری دانشمندان و متخصصان حوزه و دانشگاه (فقیه، جامعه‌شناس، روانشناس، اقتصاددان، و ...) استفاده کند.

• گسترش سازمان‌های مردم‌نهاد در زمینه کنترل و رصد کردن درآمدهای مالیاتی

ایجاد سازمانی مردم‌نهاد برای کنترل درآمدهای مالیاتی و رصد نمودن آن در زمینه نحوه دریافت و خرج کردن آن به‌صورت عادلانه، می‌تواند در جهت جلب اعتماد مؤدیان مالیاتی مؤثر باشد.

همچنین از آنجا که مؤدیان نسبت به نحوه خرج کردن مالیات حساسیت خاص دارند و با دقت آن را پیگیری می‌نمایند و

روبرو کرده و موجبات پریشانی آنان را فراهم کند و در بلندمدت ریشه‌های تولید و فعالیت‌های اقتصادی را خشک کند و زیان جبران‌ناپذیری به رشد و توسعه اقتصادی وارد آورد.

وقتی این بینش مدت‌ها در میان طرفین ادامه یابد، فرهنگ فرار از مالیات بجای فرهنگ پرداخت داوطلبانه مالیات، ریشه می‌گیرد و مدت‌های زیادی وقت نیاز داریم تا بتوانیم دوباره آن فرهنگ را در جامعه ترویج دهیم.

### راهکارهای اصلاح فرهنگ مالیاتی

• تأکید عالمان دینی بر شرعی بودن پرداخت مالیات یکی از عوامل اصلی فقدان فرهنگ مالیاتی در کشور، عدم اعتقاد به شرعی بودن مالیات می‌باشد.

از آنجا که در کشور جمهوری اسلامی ایران، مردم اعتقادی محکم به روحانیت دارند. مناسب است از این فرصت استفاده شود و از وجود روحانیون برای توجیه مردم نسبت به مالیات استفاده گردد. در این خصوص توجیه روحانیون و طلاب در خصوص آثار اقتصادی مالیات نیز لازم است.

توجیه آنان می‌تواند از طریق برپایی سمینارها در حوزه علمی باشد (به‌ویژه قبل از ایام تبلیغ) و یا نوشتن مقالات مستدل و ارائه به آنان باشد. (شبهه‌کاری که بهداشت و درمان انجام داده و کتابی باعنوان «بهداشت» در اختیار مبلغین قرار داده است)

• عادلانه بودن سیستم مالیاتی و هزینه کردن آن برای ایجاد یک فرهنگ مناسب مالیاتی یکی از مهمترین اصلاح در سیستم مالیاتی، رفع بی‌عدالتی و تبعیض می‌باشد. عدالت در کارکرد سازمان مالیات به این معناست که این سازمان توانایی پرداخت مالیات را در نظر گرفته و عدالت را در تشخیص و وصول مالیات، جزئی از بنیان‌های انکارناپذیر جامعه مالیاتی بدانند.

چون مؤدیان اعتقاد دارند که میزان توان پرداخت نسبت به درخواست سازمان پایین است؛ بنابراین سازمان در صورت تأیید باور مؤدیان می‌تواند میزان مالیات را متناسب با توان پرداخت مؤدیان تعیین کند و در صورتی که اعتقاد دارد این باور مؤدیان اشتباه است، باید با استفاده از راهکارهایی برای آنها بطور شفاف و منطقی آشکار کند که مالیات تعیین شده منطقی و متناسب با

مبادلات تجاری ایجاد می‌شود که علاوه بر شفاف‌سازی مبادلات و فعالیت‌های اقتصادی موجب سهولت اعمال مالیات‌های دیگر از قبیل مالیات بر درآمد و مالیات بر مشاغل می‌گردد.

این نوع مالیات، بیش از این مزایا، به بهبود روابط اجتماعی (به صورت عام) و اجتماعی اقتصاد (به صورت خاص) کمک می‌کند. سال‌ها بود که عدم بهره‌گیری از دفاتر قانونی و فرهنگ استفاده نکردن از فاکتور در مبادلات اقتصادی، نوعی از اقتصاد غیرعلمی را در ایران رواج داده بود که از بنگاه‌های کوچک اقتصادی و کسبه خرده‌پا تا شرکت‌های صنعتی، خدماتی و بازرگانی بزرگ را به آن عادت داده و همه قبول کرده بودند تا در فضایی غیرشفاف و سایه، به فعالیت اقتصادی بپردازند که به تبع آن موجب بروز پدیده پولشویی و اقتصاد قاچاق گردید. در سیستم مالیات بر ارزش افزوده اصولاً خبری از تشخیص علی‌الرأس نیست و مؤدیان مالیاتی باید دارای اسناد رسمی و صورتحساب باشند که خودکنترلی برای سالم‌سازی فضای اقتصادی کشور است.

● بکارگیری نظام مناسب جریمه و پاداش برای مؤدیان مؤدیان مالیاتی، عموماً به دو دسته تقسیم می‌شوند: مؤدیان قانون‌مدار و مؤدیان خلافکار. مؤدیان قانون‌مدار آن‌هایی هستند که مطابق قانون و به نسبت سهم خود، مالیات را پرداخت می‌کنند و عموماً مشکلی را برای سازمان امور مالیاتی ایجاد نمی‌کنند این نوع مؤدیان اغلب تمکین می‌کنند و از ایجاد هزینه و مشکل برای سازمان پرهیز می‌کنند، به همین علت سازمان مالیاتی نیز از این نوع مؤدیان اظهار رضایت کرده و غالباً سعی می‌شود این نوع مؤدیان باقی بمانند و یا بر تعداد آن‌ها افزوده شود. اما در مورد دیگر مؤدیان خلافکار بحث و سخن بسیار است و سازمان امور مالیاتی سعی می‌کند با انواع سیاست‌ها، آن‌ها را وادار به پرداخت مالیات کند. مؤدیانی خلافکار محسوب می‌شوند که مالیات‌های معوق را به دستگاه مالیاتی تحمیل می‌کنند که همین موضوع یکی از گلوگاه‌های نظام مالیاتی ایران است. به نظر می‌رسد در این‌گونه مواقع، سنجش میزان مالیات‌های معوق و برنامه‌ریزی در جهت وصول آن‌ها، بهترین گزینه موجود باشد.

مالیات‌های معوق به مالیات‌هایی اطلاق می‌شود که از نظر تشخیص مالیات، به مرحله فعلیت رسیده‌اند اما به هر دلیل به

همواره این پرسش مطرح است که این پرداخت‌ها در کجا هزینه می‌شود، این سازمان می‌تواند با اقدامات دقیق و مؤثر نسبت به نحوه خرج کردن مالیات، اطلاع‌رسانی کرده و آن را به اطلاع همگان برساند.

### الزام دولت به حرکت در مسیر کاهش از سهم درآمدهای نفتی در بودجه

بررسی سابقه تاریخی درآمدهای دولت در ایران حاکی از آن است که اولاً دولت به درآمدهای مالیاتی به صورت منبعی برای تأمین بخشی از هزینه‌های خود می‌نگریسته؛ بدین جهت از آن کم‌تر به صورت یک ابزار مهم سیاست‌گذاری در جهت عدالت اجتماعی، رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال و... استفاده کرده است. ثانیاً با افزایش درآمدهای نفتی که درآمدهای سرشار بدون دردسری را از فروش ثروت ملی در اختیار دولت قرار می‌دهد، اهمیت مالیات و نظام مالیاتی در تأمین درآمدهای دولت کاهش و در درجه دوم قرار گرفته است.

بنابراین حرکت به سمت کاهش سهم درآمد نفتی در بودجه کشور، می‌تواند در سرمایه‌گذاری دولت روی مالیات و قرار گرفتن آن در سیاست‌گذاری‌ها کمک کند.

● پیگیری بیشتر بر ادامه اجرای طرح‌های مالیاتی چون برقراری مالیات بر ارزش افزوده و دولت الکترونیک در زمینه مالیات‌ها،

مالیات بر ارزش افزوده روش و تفکری است که چندین دهه از تجربه مثبت آن در سایر کشورها گذشته و مورد تأکید اکثر صاحب‌نظران و کارشناسان اقتصادی و مالیاتی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول می‌باشد. این مالیات در بسیاری از کشورها ضمن تأمین بیشتر عدالت اجتماعی نسبت به سایر مالیات‌ها، و بدون از بین بردن انگیزه سرمایه‌گذاری و تولید، به عنوان منبع درآمد جدیدی در جهت افزایش درآمدهای دولت به کار برده شده است (جعفری صمیمی، ۱۳۷۸).

همچنین با توجه به این‌که در این مالیات، مؤدیان برای استفاده از اعتبار مالیاتی ملزم به ارائه فاکتور خواهند بود، زمینه برای شناسایی خودبه‌خود میزان معاملات مؤدیان فراهم می‌شود. در نتیجه، یک سیستم اطلاعاتی کامل از معاملات و

خاص برای کشوری برگزیده می‌شود، لزوماً برای دیگر کشورها یا دیگر زمان‌ها اعتبار ندارد. با اعطای معافیت‌های مالیاتی، گروهی از پرداخت مالیات، معاف می‌شوند و این امر به کاهش درآمدهای مالیاتی دولت می‌انجامد. بنابراین، اگر اعطای معافیت‌ها با دقت لازم صورت نگیرد، دولت برای کسب درآمد مالیاتی مورد نظر، فشار مالیاتی سنگینی را بر گروه‌های دیگر جامعه وارد می‌کند. در واقع، برای جبران کاهش درآمد مالیاتی، نرخ‌های مالیاتی بیشتری بر گروه‌هایی که از معافیت‌های سالیانه بهره‌مند نیستند، تحمیل خواهد شد.

#### • اصلاح قوانین مالیاتی در کشور

یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تضعیف و عدم اثربخشی سیاست‌های مالیاتی، پیچیدگی و ابهام در قوانین و مقررات مالیاتی است. این مسئله به تنهایی به کارایی اجرایی سیاست‌های مالیاتی صدمه وارد می‌کند. به‌منظور تضمین اثربخشی دستگاه مالیاتی در قدم اول باید قوانین و مقررات مالیاتی و حسابداری به‌طور جامع تعریف و تضمین شود. برای رویه‌ها و قوانین جدید باید مجوزهای جدید اخذ شود تا در قوانین کشوری و آیین‌نامه‌های مالیاتی ثبت شود. تغییرات قوانین مالیاتی به‌شدت به استانداردهای نوین حسابداری وابسته است. به‌عبارت دیگر باید مقررات مربوط به مؤدیان در نگهداری دفاتر و فاکتورها و چگونگی ارائه آن‌ها به سازمان مالیاتی، به صورت شفاف تبیین شود. در نهایت برای پیاده کردن اصلاحات باید حمایت حاکمیت و آحاد مردم جلب شود.

همچنین به‌موردی از قبیل انجام اقدامات رفاهی در چارچوب یک تئوری علمی، ایجاد مباحث روشنفکری در این زمینه به جهت تقویت پایه‌های فلسفی مالیات در ایران، تأکید بر روش‌های نوین حسابرسی مالیاتی از طرف جامعه حسابداران رسمی و رشد نظام مالی شرکت‌ها، برقراری شیوه‌های ساده و کارآمد برای استفاده از دفاتر و ثبت کردن رویدادهای مالی به‌خصوص در بخش مشاغل، بازنگری در سیستم رفاهی کشور با هدف تقویت نظام بیمه‌ای، آموزش، بهداشت و رشد مشارکت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مردم، تأمین نیازهای مالی کارکنان دستگاه مالیاتی برای اجرای بهینه وظایف و بسیاری از نکاتی که می‌تواند از نظر مالی دولت را در استخدام ملت درآورد که

حیطه وصول در نیامده و امکان وصول آن‌ها وجود دارد. بدیهی است اگر ثابت شود که حجم ذخایر مالیاتی معوق قابل وصول، به حدی معنادار است که قادر به تأمین اهداف درآمد مورد نظر خواهد بود، در آن صورت برنامه‌ریزی عملیاتی برای وصول این مالیات‌ها منطقی و موجه است. اگر دستگاه مالیاتی ناگزیر از اعمال فشار مالیاتی بیشتر باشد چه بهتر که این فشار بر مؤدیان خلافاً وارد شود که بعضاً سال‌ها از زیر مسئولیت پرداخت دیون مالیاتی خود شانه خالی کرده‌اند و اعمال خلاف قانون آن‌ها گاهی مصداق تقلب مالیاتی بوده است. بدیهی است که مطالبه دیون معوقه دولت از عده‌ای متقلب، تنش‌های احتمالی ناشی از فشار مالیاتی را نیز به حداقل خواهد رساند و این با اهداف مورد نظر در خروجی سازمان از جمله رضایت‌مندی مؤدیان خوش حساب و ارتقای سطح عدالت مالیاتی نیز سازگار خواهد بود. یکی از راه‌های کاهش خطای مؤدیان در اظهار و پرداخت مالیات به‌کارگیری مناسب نظام جریمه و پاداش است. نظام جریمه باید به‌نحوی اجرا شود که به‌طور متوسط رفتار مؤدی مالیاتی را عوض کند. با این حال با مؤدیانی که بی‌نظم هستند و قانون را رعایت نمی‌کنند، باید به‌شدت برخورد کرد. همچنین باید توجه کرد که جرائم افراطی وضع نشود و مؤدیان ناامید نشوند. تجربه نشان داده است که تغییر ایجاد کردن در رفتار و نگرش مؤدیان مالیاتی یک هنر بزرگ است و عموماً اقدامات سریع و فشارهای سنگین، تنها مسکنی است که در کوتاه‌مدت مؤثر است و اثرات جاودان ندارد.

#### لغو معافیت‌های غیرضرور نهادی و الزام همه صاحبان درآمد به ارائه اطلاعات به دستگاه مالیاتی

یکی از آسیب‌های نظام مالیاتی را می‌توان معافیت‌های مالیاتی گوناگون دانست. دولت به‌منظور ایجاد زمینه برای توسعه سرمایه‌گذاری در بخش‌های مورد نظر، حمایت از صنایع داخلی و صنایع نوپا و نیز حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، برخی معافیت‌ها را در نظر می‌گیرد. انتخاب هدف و موارد بخشودگی و معافیت مالیاتی، امر ساده‌ای نیست و پیچیدگی خاصی دارد که حتی با تحقیقات گسترده نیز نمی‌توان از درستی تشخیص برای اعطای معافیت اطمینان یافت؛ زیرا قانونی که برای معافیت‌ها در زمانی

منجر به تقویت سیستم مالیاتی می‌شود در راستای اهداف سند چشم‌انداز هم قرار دارد.

### نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر ظرفیت مالیاتی تمایلات فکری و نظرات مردم در ارتباط با مسائل مختلف و گوناگون مالیاتی جامعه است که به فرهنگ مالیاتی مشهور است. مهم‌ترین مسئله‌ای که در فرهنگ مالیاتی مؤثر است تبلیغ در ارتباط با مسائل مالیاتی است و قطعاً اگرچه شرط کافی مسئله نیست؛ ولی شرط لازم است. در کتاب‌های درسی، در کانون‌های مختلف اجتماعی و در سینماها و فیلم‌های تلویزیونی یا برنامه‌های رادیویی کشور تقریباً نشانی از مسئله مالیات که حیاتی‌ترین مسئله یک اقتصاد سالم است دیده نمی‌شود (اگر هم باشد خیلی ضعیف است) در حالی که می‌توان با تبلیغات و آگاهی‌رسانی از طریق رادیو و تلویزیون در این زمینه به اصلاح وضع موجود پرداخت و تحولات اساسی ایجاد کرد. عوامل فرهنگی در جامعه ما بیش‌تر ریشه در تاریخ دارد که به همراه بسیاری از مشکلات دیگر اجتماعی همواره باعث شده که مالیات واقعی اظهار و وصول نشود.

بنابراین اراده و خواست مردم، عمده‌ترین نقش را در اجرای قانون مالیات‌ها ایفا می‌کند و به این دلیل مؤثرترین عامل موفقیت در اجرای این قوانین، همانا فرهنگ مالیاتی جامعه خواهد بود. از طرفی همان‌طوری که می‌دانیم شرط اول برای ترویج هر مقوله عدالت است، یعنی وقتی مردم مطمئن شوند که چارچوب قوانین مالیاتی برای همه در نظر گرفته شده و اجرا می‌شود و هیچ تبعیضی میان افراد جامعه وجود ندارد آن‌گاه خودشان را مطیع قانون دانسته و اطاعت از آن را واجب می‌دانند. سخن آخر آن‌که اقتصادی که متکی بر فروش منابع نفتی است در صورت ادامه این وضعیت و تداوم وابستگی بودجه به نفت نمی‌تواند اقتصادی پویا و کامل داشته باشد. اقتصاد سالم اقتصادی است که بیش‌تر بر پایه مالیاتی بنا نهاده و در آن سعی شده باشد که هزینه‌های جاری و عمرانی دولت از طریق وصول مالیات تأمین شود. بنابراین ضروری به نظر می‌رسد با گسترش فرهنگ مالیات در سطح جامعه و شناختن اهمیت آن در توزیع درآمد

و ایجاد عدالت اجتماعی و از بین بردن فاصله‌های طبقاتی آن را جایگزین تفکر سنتی پول نفت کرده و بسترهایی به وجود آورد تا مالیات‌دهی جزو وظایف و تکالیف مهم آحاد جامعه تلقی شده و این باور عمومی نسبت به پولی که به‌عنوان مالیات پرداخت می‌کنند به‌وجود آید که در نهایت از طرق مختلف از جمله، ثبات، امنیت و رفاه اجتماعی، احداث مراکز درمانی و کارهای عمرانی و زیربنایی به نوعی به خود مردم برگشته و از مزایای آن برخوردار خواهند شد که در آن صورت با رغبت بیش‌تر و به تمایل خویش نسبت به پرداخت مالیات حقه خود اقدام کرده تا شاهد اقتصادی سالم و پویا در کشورمان باشیم. توسعه‌یافتگی در فرهنگ مالیاتی می‌تواند زمینه‌ساز تحولات بزرگ در توسعه ایران شود. بنابراین نسبت به آن بی‌تفاوت نباشیم.

### منابع:

- ثاقب‌فر، محمد. (۱۳۸۶). پس‌افتادگی فرهنگی در مالیات، روزنامه اعتماد.
- جعفری صمیمی، احمد و صالح نژاد، حسن. (۱۳۷۸). جایگزینی مالیات بر ارزش افزوده برای مالیات بر شرکت‌ها و تأثیر آن بر بودجه دولت در ایران، بررسی‌های حسابداری شماره ۲۶ و ۲۷.
- جامساز، محمود. لزوم تقویت فرهنگ مالیات‌دهی. روزنامه اقتصاد پویا، ۱۳۸۳/۵/۳۱.
- رزاقی، محمد. (۱۳۷۵). جزوه آموزشی مبانی مالیات. تهران: دانشکده امور اقتصادی.
- رضایی، محمدقاسم. (۱۳۸۶). توسعه‌نیافتگی فرهنگ مالیاتی ایران. روزنامه سرمایه.
- رضاییان، محمد تقی. (۱۳۷۸) بررسی علل عدم آگاهی مؤدیان مالیاتی از قانون مالیات‌های مستقیم و تأثیر آن بر درآمد مؤدیان دولت، دانشکده امور اقتصادی.
- دادگر، کرمانجانی، بدالله. (۱۳۷۸). مالیه عمومی و اقتصاد دولت. تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری بشیر علم و ادب.
- دادگر بدالله. (۱۳۸۶). اقتصاد بخش عمومی، قم، انتشارات دانشگاه مفید.
- سادات طاهر فائزه. (۱۳۸۶). مالیات در اسلام، قم.
- طاهرپور کلانتری، حبیب‌الله. (۱۳۸۷). شناسایی عوامل فرهنگ مالیاتی مؤدیان مشاغل شهر تهران.
- عرب مازار، علی‌اکبر. (۱۳۷۰). مروری کوتاه بر پاره‌ای مفاهیم و نظرات مالیاتی، مجله مالیات، دوره دوم، شماره ۹.
- عمید، حسن. (۱۳۶۵). فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نظری، حسن‌آقا. (۱۳۸۵). نگرش علمی به هزینه و درآمد دولت اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران: پژوهشکده اقتصادی.
- وثوقی، منصور و نیک خلق، علی‌اکبر. (۱۳۸۰). مبانی جامعه‌شناسی، تهران: ناشر بهینه.
- جامساز، محمود. (۱۳۸۳). لزوم تقویت فرهنگ مالیات‌دهی. روزنامه اقتصاد پویا.

Transformation Process. In: Michael H. Stierle and Thomas Birringer (eds.): Economics of Transition: Theory, Experiences and EU Enlargement; INFER Annual Conference 2001. INFER Research Edition Vol. 6, Berlin: VWF, (2001).  
16- T. N, Pandey, Develop a Tax Culture for Better Compliance, October 27, 2003

- Edgar H.Schein - "Corporate Culture (Survival Guide)", Jossey.1999Bass Publishers  
- Nerre ,Birger and Karsten von Blumenthal, Tax Culture and Austrian Economics: A Case Study of the Big 1896 Tax Reform, National Tax Association's 96th Annual Conference on Taxation in Chicago,USA,November 2003).  
- Nerré, Birger. The Role of Tax Culture in the Russian



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی